

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرح حدیث

عَرَبِی دین

حضرت عبدالعظیم حسنی علیہ السلام

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمۃ اللہ علیہ

عنوان قرارداد:	حدیث عرض دین، شرح
عنوان و نام پدیدآور:	شرح حدیث دین حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام / لطف الله صافی گلپایگانی.
مشخصات نشر:	م.م. دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی
مشخصات ظاهری:	۱۲۷ ص.
شابک:	978-600-5105-49-0 : ۱۵۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	چاپ هفتم
یادداشت:	کتاب حاضر در سال های مختلف توسط ناشرین متفاوت منتشر شده است
موضوع:	عبدالعظیم بن عبدالله، (ع)، ۱۷۳ - ۱۲۵۰ ق.
موضوع:	احادیث خاص (عرض دین) - نقد و تفسیر
شناسه افزوده:	صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۲۹۷-، توضیحگر
رده بندی کنگره:	۱۳۹۰ ص ۲ ۴۰۲/ع ۱۲۵۰ BP
رده بندی دیویی:	۲۹۷/۲۱۸
شناسه کتابخانه ملی:	۲۶۸۸۲۰۵

دفتر تنظیم و نشر آثار

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

- نام کتاب:
- مؤلف:
- چاپ اول ناشر (هفتم کتاب):
- شمارگان:
- بهای:
- شابک:
- سایت الکترونیک:
- پست الکترونیک:
- آدرس پستی:
- تلفن:
- شرح حدیث عرض دین
- حضرت آیت الله العظمی صافی علیه التوفیق
- ویرج الاول ۱۴۳۳ / زمستان ۱۳۰۰
- ۵۰۰۰
- ۱۵۰۰ تومان
- ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۴۹-۰
- www.saafi.net
- saafi@saafi.net
- قم / انقلاب ۶ / شماره ۱۸۱
- ۷۷۲۳۳۸۰ (۰۲۵۱)

سوابق فنشر این کتاب

۱. انتشارات حضرت معصومه سلام الله علیها، قم، ۱۳۷۶ (چاپ اول)، ۱۳۷۸ (چاپ دوم)، ۱۳۸۵ (چاپ چهارم) (ویراست دوم)
۲. دارالحدیث، قم، ۱۳۸۲ (چاپ سوم) (با تقطیع چند صفحه از کتاب)
۳. دلیل ما، ۱۳۸۷ (چاپ پنجم) (ویراست سوم کتاب)، ۱۳۸۸ (چاپ ششم).

عبدالعظیم حسنی فرمود: بر آقا و مولای خود، علی بن محمد علیه السلام وارد شدم، چون نظر آن حضرت بر من افتاد، فرمود: مرحبا ای ابوالقاسم، براستی که تو از دوستان ما هستی.

عبدالعظیم گفت: عرض کردم: ای پسر پیغمبر، می‌خواهم عقاید دینی خود را بر شما عرضه بدارم، اگر پسندیده باشد بر او ثابت باشم تا به لقای خداوند برسم امام علیه السلام فرمود: بگو، ای ابوالقاسم.

گفت: عرض کردم: من معتقدم که خدا یکی است و مانند او چیزی نیست، و از دو حد ابطال و تشبیه بیرون است، خداوند جسم و صورت و عرض و جوهر نیست، بلکه پرورگار اجسام را جسمیت داده و صورت‌ها را تصویر فرموده و امراض و جواهر را آفریده است، او خداوند همه چیز و مالم و محدث اشیاء است. معتقدم که محمد صلی الله علیه و آله فرستاده او خاتم پیغمبران است، و پس از وی تا روز قیامت پیغمبری نخواهد بود، شریعت وی آخرین شرایع بوده و پس از او دینی و مذهبی نخواهد آمد. عقیده من درباره اوست این است که امام بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است، بعد از او حسن، پس از وی حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و سپس شما.

در این هنگام حضرت هادی علیه السلام فرمود: پس از من فرزندان حسن امام است، لیکن مردم درباره امام بعد از او چه خواهند کرد؟

گوید: عرض کردم: ای مولای من، مگر آن چگونه است؟

فرمود: امام بعد از فرزندم حسن شخصش دیده نمی‌شود و اسمش در زبانها جاری نمی‌گردد تا خروج کند و زمین را از عدل و داد پر کند، همان طور که از ظلم و ستم پر شده باشد.

عبدالعظیم گفت: عرض کردم: به این امام غائب هم معتقد شدم و اکنون می‌گویم: دوست آنان دوست خدا و دشمن ایشان دشمن خدا است، طاعت آنان طاعت پروردگار و معصیت و نافرمانی از آنها موجب معصیت اوست.

من عقیده دارم که معراج و پرسش در قبر و هم چنین بهشت و دوزخ و صراط و میزان حق‌اند، و روز قیامت خواهد آمد و در وجود آن شکی نیست، و خداوند همه مردگان را زنده خواهد کرد و نیز عقیده دارم که واجبات بعد از اعتقاد به ولایت و امامت عبارت‌اند از: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر.

در این هنگام حضرت هادی علیه‌السلام فرمود: ای ابوالقاسم، به خدا سوگند اینها دین خداست که برای بندگانش برگزیده است، بر این عقیده ثابت باش. خداوند تو را به همین طریق در زندگی دنیا و آخرت پایدار بدارد.

فهرست

۵	متن و ترجمه حدیث عرض دین
۱۱	فهرست
۱۳	فهرست تفصیلی
۱۵	مقدمه
۱۵	در ایمان و مراتب آن
۲۱	پیش درآمدی بر عرض دین
۲۳	عرض دین بر بزرگان و دین شناسان
۳۷	مسئله‌ی عرض دین در عصر حاضر
۴۱	پیشینه‌ی عرض دین
۴۲	عرض دین حضرت عبدالعظیم علیه السلام
۴۶	درس‌های اخلاقی از عرض دین
۴۶	حضرت عبدالعظیم علیه السلام
۴۷	نکته‌ی دیگر
۵۱	شرح حدیث عرض دین
۵۳	بررسی سندی و متنی حدیث
۵۳	سند حدیث
۵۵	نکته‌ی روایی
۵۷	بند ۱

بند ۲	۵۸
بند ۳	۵۸
بند ۴	۵۸
بند ۵	۶۲
بند ۶	۷۵
بند ۷	۷۷
بند ۸	۷۹
بند ۹	۸۳
بند ۱۰	۸۸
بند ۱۱	۹۸
بند ۱۲	۱۰۰
۱-۱۲. معراج	۱۰۱
۲-۱۲. سؤال قبر	۱۰۸
۳-۱۲. بهشت و آتش	۱۰۹
۴-۱۲. میزان	۱۰۹
۵-۱۲. صراط	۱۱۰
۶-۱۲. معاد	۱۱۰
بند ۱۳	۱۱۲
بند ۱۴	۱۱۴
فهرست منابع و مآخذ	۱۲۱

فهرست تفصیلی

۱۵	مقدمه: اهمیت ایمان و مراتب آن
۲۳	عرض دین بر دین شناسان
۲۴	حد توانائی عقل در مسائل اعتقادی
۲۶	ناسازگاری بعضی میانی فلسفی و عرفانی با شرع
۳۲	عالیترین مرتبه معرفتی از بیان امیرالمؤمنین علیه السلام
۳۲	کلام شیخ مفید فیه و محقق طوسی رحمه الله درباره توقیفیت اسمای خدای تعالی
۳۷	مسئله عرض دین در عصر حاضر
۳۷	عقاید را باید فقط بر قرآن و احادیث عرضه کرد
۳۹	نصیحت به نسل جوان و دانشجوئی در حفظ دین و خطر تحریف و تأویل آن
۳۹	تنها راه سعادت
۴۱	پیشینه عرض دین
۴۲	چرا بزرگان اعتقاد و دین خود را به امام زمانشان عرضه می داشتند
۴۲	عرض دین حضرت عبد العظیم علیه السلام و جلالت آن بزرگوار
۴۴	میزان در مطابقت عقائد شخص با کتاب و سنت
۴۶	ادب و اخلاق کریمه حضرت عبد العظیم علیه السلام در عرض دین
۴۷	نسب حضرت عبد العظیم علیه السلام و تسلیم اش در برابر امامش
۵۳	شرح حدیث عرض دین و سند حدیث
۵۵	یک نکته رجالی
۵۵	توضیح مضمون حدیث
۵۹	فرق بین اسم مبارک الله و بین سایر اسماء حسنی
۶۰	معنای واحد و اطلاق بر خداوند به دو معنی
۶۱	بیان «لیس کمثله شیء»
۶۲	توضیح خروج از حد ابطال و تشبیه نسبت به ذات حق و صفاتش
۶۶	کلام علامه مجلسی در توضیح مفاهیم عامه و خاصه

- در نقد کلام بعضی از اهل نظر در این مقام ۷۱
- بیان «آنکه لیس بجسم ولا صورة ولا عرض ولا جوهر» ۷۵
- معنای ربّ و منافاتش با قول فلاسفه به فعلیهی محضه در مجردات ۷۹
- عدم جواز بحث از حقیقت ذات حق تعالی ۸۱
- عرض دین و نبوت ۸۳
- عظمت مقام عبودیت و بندگی خدا و اینکه پیغمبر اولین عبد حقیقی خداست ۸۳
- معنای رسالت و خاتمیت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم و علت تعبیر به خاتم النبیین ۸۵
- فرق بین معنای امام و خلیفه و ولی امر و اهمیت مسئله ولایت ۸۹
- پیغمبر جامع مقام نبوت و خلافت و امامت و ولایت است ۹۲
- خلافت و افضلیت امیرالمومنین علیه السلام بعد از پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم ۹۳
- امامت و خلافت از دوازده گانه علیهم السلام به حسب اخبار ۹۴
- سه صفت از اوصاف حضرت صاحب الزمان علیه السلام ۹۵
- دوستی آل رسول علیه السلام دوستی با خداست و دشمنی شان دشمنی با خداست ۹۸
- معراج ۱۰۰
- اعتقاد به معراج جسمانی پیغمبر واجب است ۱۰۲
- شبهه خرق و التیام در افلاک مردود است ۱۰۳
- نقل کلام بعضی از فلاسفه در معراج و ابطال آن ۱۰۷
- شب معراج خداوند با لهجه و صدای علی علیه السلام خطاب فرمود ۱۰۷
- سؤال قبر ۱۰۸
- بهشت و جهنم ۱۰۹
- میزان ۱۰۹
- صراط ۱۱۰
- معاد و اسماء متعدد آن ۱۱۱
- اشاره به اهمیت بعضی از فرائض بعد از ولایت ۱۱۲
- تصدیق امام علیه السلام به صحت دین حضرت عبد العظیم علیه السلام ۱۱۴
- دعا برای ثابت ماندن بر دین ۱۱۷
- دعای حضرت امام هادی علیه السلام برای جناب عبد العظیم در ثبات عقیده ۱۱۹
- فهرست منابع و مآخذ ۱۲۱

مقدمه

در ایمان و مراتب آن

اعتقاد به عقاید حقه از مبدأ، معاد، نبوت و امامت، سبب سعادت و آرامش قلب، رفع اضطراب و نگرانی، و موجب امیدواری و خوشبینی به حیات و حرکت به سوی رستگاری و فواید و فلاح است.

شاید هیچ حاجت و درخواستی از درگاه خداوند متعال، سعادت بخش‌تر و راحت‌افزاتر از این سه حاجت - که در این دعا درخواست می‌شود - نباشد.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تَبَاشِرُ بِهِ قُلُوبِي وَ يَقِينًا

صَادِقًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يَصِيْبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَ

رَضَنِي مِنَ الْعِيشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي»^۱

حاجت اول: ایمانی که خداوند متعال آن را فراگیر قلب انسان و مستولی بر آن سازد.

حاجت دوم: یقین راستی که انسان بداند به او نمی‌رسد، مگر آنچه خدا برای او مقرر فرموده است.

۱. در ادعیه‌ی متعدد مثل دعای ابی حمزه.

حاجت سوم: رضا به روزی و معاشی که خداوند متعال قسمت او فرموده و برای او فراهم می‌شود.

ایمان، یقین و رضا، از حالات و مقاماتی است که درجات و مراتب متفاوت دارد و در عین حال که بر هر یک از مراتب آن یقین، ایمان و رضا اطلاق می‌شود، مراتب و افراد آنها مثل مراتب و افراد نور با هم تفاوت دارند و فواصل بین آنها گاه به حدی است که اگر در آن، مقیاس سال نوری قابل استفاده بود، مناسب بود با آن به مسافت بین این فواصل اشاره نمود.

چنان که می‌دانیم نور، پرشید، نور است، و نور نورافکن، نور، و نور یک لامپ معمولی نور، و نور شمع و کبریت هم نور است. ایمان هم بنا به تفسیری که از مثل آیهی کریمه‌ی ذیل شده است، نور است و مراتب دارد.

﴿ رَبَّنَا آتِنَا نُورًا ﴾

و آیهی شریفه

﴿ يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ

أَيْدِيهِمْ ﴾^۲

بنابراین ایمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله ایمان و نور است که در روشنایی آن بزرگ‌ترین و سنگین‌ترین وظیفه‌ای که از سوی خدا به آن حضرت محوّل شد را، به عالی‌ترین صورت انجام داد و در برابر دنیا و تمام عادات باطله، کفر و شرک قیام نمود.

ایمان امیرالمؤمنین علیه السلام هم نور و ایمان است که می فرمود:

«لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا أَزْدَدْتُ يَقِينًا»^۱

و می فرمود:

«لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّيِّئَةُ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاكِهَا عَلَى

أَنْ أُعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمْلَةٍ أَسْلَبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا

فَعَلْتُهُ»^۲

سایر ائمه ای معصومین علیهم السلام و انبیای عظام، همه مظاهر قوت ایمان و مراتب کامله ای آن بودند که یادآوری مواقف و مشاهد ایمانی آنها همه آموزنده و ایمان بخش است.

و به طور کلی ایمان خواص اصحاب و شخصیت هایی که علاوه بر زبان با عمل، ایثار و فداکاری در غروای مثل بدر، احد، خندق، جمل، صفین، نهروان و روز عاشورا ایمانشان در معرض عالی ترین جلوه ها قرار گرفت، همه نور و ایمان بود.

ایمان حضرت حمزه، جعفر طیار، ابوالفضل العباس، سلمان، مقداد، عمار، حبیب بن مظاهر، زهیر، رشید، میثم و صدها و هزارها تن از مؤمنانی که از بوته ای امتحان بی غل و غش بیرون آمدند، اگر چه در یک ردیف نبودند اما مواضع هر کدام نشان دهنده ی ظهور ایمان، قوت عقیده، عدم اضطراب و گویای حال اطمینان و آرامش قلب آنها بود و ایمان افراد عادی نیز ایمان است که چنانکه گفته شد فواصل بین مراتب آنها قابل تقدیر و اندازه گیری نیست.

۱. بحار الانوار، ۱۳۵/۴۶ و غرر الحکم، فصل ۷۵، ح ۱ - ۶۰۳/۲.

۲. نهج البلاغه، خطبه ی ۲۲۴.

همه‌ی انسان‌ها برحسب مراتب ایمان خود، از آرامش و سکون باطن، استراحت خیال، تسلیم، رضا، توکل به خدا و اعتماد به نفس بهره‌مندند و تا به آن مراتب بلندبالا می‌روند که نه از آنچه از دنیا به آنها می‌رسد، فرحناک می‌شوند و خود را فراموش می‌کنند و نه از آنچه از دنیا از آنها فوت شود غمناک می‌گردند، گویی این آیه را در گوش دارند:

﴿لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا

آتَاكُمْ﴾^۱

و تا آنجا پیش می‌روند که از کسی غیر از خدا نمی‌ترسند که:

«خَالِدِينَ أَنْ لَا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ شَيْئاً»^۲

موحد چه در پای ریزی زینت
چه شمشیر هندی نهی بر سرش
امید و هراسش نباشد ز کس
بر این است بنیاد توحید و بس
و حاصل آنکه توکل، تسلیم، رضا و تفویض را که همه از مقامات سعاد
است - مراتبی است که اشخاص به مقدار قوت درجات ایمان و خلوص
عقیده از شرک، خرافات و انحرافات دیگر، حائز آن می‌گردند.

بنابراین برای نیل انسان به سعادت واقعی وسیله‌ای بالاتر از ایمان
صحیح و یقین خالص نیست. همه‌ی اضطراب‌ها و همه‌ی خوف و بیم‌ها
از زوال نعمت‌ها را از میان می‌برد و همه‌ی نگرانی‌ها را نسبت به آینده
مرتفع می‌سازد.

۱. سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۳.

۲. بحارالانوار، ۱۸۰/۶۷ و ۱۴۳.

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ
تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^۱

انسان سعادت خواه باید سعی کند که به حقایق مفاهیم این جمله های نورانی:

﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾^۲

﴿مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾^۳

﴿أَفَوْضُ أُمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾^۴

﴿مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾^۵

﴿حَسْبِيَ اللَّهُ﴾^۶

﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^۷

ایمان پیدا کرده و خود را از تاراج های تجر و تردید خود را نجات دهد.

۱. سوره ی رعد، آیه ی ۲۸.

۲. سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۷۳.

۳. سوره ی کهف، آیه ی ۳۹.

۴. سوره ی غافر، آیه ی ۴۴.

۵. سوره ی طلاق، آیه ی ۳.

۶. سوره ی توبه، آیه ی ۱۲۹ و سوره ی زمر، آیه ی ۲۸.

۷. سوره ی بقره، آیه ی ۱۵۶.